آب زنده

نشانه‌ای از روح القدس

سطح مقدماتی

فهرست

مقـدمـــه

چگونه می توان روح‌القدس را شناخت؟

رسولان، عیسی مسیح را مشاهده کرده اند در نتیجه قادر بودند درباره او روایات مثبتی شرح دهند. ولی آیا کسی روح القدس را مشاهده کرده است؟ در جواب باید گفت هیچ کس او را ندید ولی ما می توانیم تجاربی را از قدرت روح القدس در زندگی خود و تاریخ بشریت مشاهده کنیم.

یک عروس نیز داماد خود را می بیند ولی محبت او را نسبت به خود عینی مشاهده نمی کند، بلکه فقط آن را تجربه و احساس می کند. ولی آیا به معنای واقعی تجارب زندگی خود به آسانی می توانیم پی ببریم؟ آیا انسان به تنهایی قادر است که هدف نهایی زندگی خود را درک کرده و بدون هیچ گونه تردیدی آن را به تمام مردم اعلام نماید؟ و آیا بدون اعتراض دیگران در مورد تجارب شخصی خود، این مطلب امکان پذیر است؟ باید گفت: خیر، زیرا ممکن است هر کسی تجربهٔ متفاوتی در زندگی خود داشته و به معنی دیگری از آن تجربه دست یابد. بنابراین اگر این چنین باشد هر کس به تنهایی در پی تجربهٔبه تنهایی در پی تجربه شخصی خود خواهد بود که در نتیجه برداشت شخصی در مورد تجارب زندگی خواهد داشت.

پس چگونه مسیحیان از تجارب مسیحی بودن خود می توانند به دیگران شهادت دهند درحالی که اگر یک راهنمای مؤثر در این مورد نداشته باشیم، نمی توانیم از معنای تجارب زندگی خود و اثر روح القدس در آن آگاه باشیم.

عیسی مسیح جمعیت کثیری را بدون هیچ راهنما دید:

وقتی او جمعیت زیادی را دید دلش به حال آنها سوخت زیرا آنان مانند گوسفندان بدون شبان پریشان حال و درمانده بودند.

(مت ۹ : ۳۶)

پس چه باید کرد تا در زندگی روزانهٔ خود به تأثیر کارکرد روح القدس بدون این که در حالت انفرادی و در جستجوی نقطهٔ مبداء معانی تجارب خود باشیم، پی ببریم؟ ما دارای این نقطهٔ مبداء هستیم زیرا خداوند هیچ گاه ما را تنها نگذاشت و از تجارب قوم اسرائیل در تاریخ خود استفاده کرد تا معنی هر یک از تجارب انسانی آشکار باشد. در نتیجه اگر همیشه مابین تجارب زندگی روزانهٔ خود و تجارب قوم اسرائیل نکات مشابهی پیدا کنیم، می توانیم از تأثیر روح القدس در زندگی روزانهٔ خود آگاه شویم.

بنابراین نباید از این که در کتاب مقدس دربارهٔ روح القدس نشانه های عادی پیدا می کنیم، متعجب شویم زیرا نشانه ها کوچک و سطحی هستند ولی از تجربه های بزرگ و عمیقی سرچشمه می گیرند.

آب زنده نشانه‌ای از روح‌القدس است

۱) آب حیات بخش

در کتاب مقدس، یوحنا یکی از رسولان چنین می گوید:

در آخرین روز که مهمترین روز عید بود عیسی ایستاده و با صدای بلند گفت: اگر کسی تشنه است پیش من بیاید و بنوشد. چنان که کلام خدا می فرماید: «نهرهای آب زنده از درون آن کسی که به من ایمان بیاورد جاری خواهد گشت.» این سخنان را دربارهٔ روح القدس، که می باید به مؤمنین او داده شود، می گفت و چون هنوز عیسی جلال نیافته بود روح القدس عطا نشده بود.

(یوحنا ۷ : ۳۷ - ۳۹)

از این متن در می یابیم که یکی از نشانه های روح القدس آب می باشد. اما چرا آب؟ چون آب در زندگی ما ماده ای است کاملاً معمولی. پس این نشانه در مورد روح القدس چه چیزی را ثابت می کند؟ و به طور کلی چرا آب را برای نشانه ای از روح القدس



وقتی از زمین بالا برده شوم
همه آدمیان را به سوی خود خواهم کشید

انتخاب کرده اند؟آب دارای چه اهمیتی است؟ در نتیجه روح القدس کیست؟

در زندگی پیشینیان، آب دارای دو مفهوم بود: یکی در مورد کسانی که در کنار دریا و یا رودخانه زندگی می کردند، برای آنان آب به معنای هیولای وحشتناکی بود چون بر اثر توفان و یا سیل های بزرگ زیان های جانی و مالی برای آنان ببار می‌آورد. به عنوان مثال توفان نوح و توفانی که حضرت عیسی آن را در دریاچهٔ جلیل آرام ساخت. معنای دوم آب برای طایفه های چادر نشین که نزدیک صحرا و بیابان زندگی می کردند به معنی چشمهٔ زندگی بود زیرا بدون آب هیچ محصولی بدست نمی آمد و ادامهٔ زندگی غیر ممکن به نظر می رسید.

در اینجا معنی دوم آب را در نظر می گیریم و از کتاب مقدس متونی چند انتخاب کرده و با هم آنها را مطالعه می کنیم. در کتاب پیدایش می بینیم که با توصیف شاعرانه‌ای بر این عقیده بودند که خداوند هنگام آفرینش، انسان را در میان باغ زیبایی بوجود آورد، از آن رودخانه ای سرچشمه می گرفت و از میان بهشت عبور می کرد و به چهارجهت جهان یعنی شرق و غرب و شمال و جنوب تقسیم می شد در این باغ می توانستند سبزیجات و اشجارو حیوانات زندگی کنند و آدم نیز در آن مکان زیبا زندگی خود را با شادی و سرور می گذراند.

در روزی که یهوه خدا زمین و آسمان را بساخت هیچ
نهال و علف هنوز در زمین نروئیده بود زیرا خدا

باران بر زمین نبارانیده بود و آدمی نبود که کار زمین را بکند ولی خیزآبی از زمین برآمده تمام زمین را سیراب می‌کرد پس خداوند خدا آدم را از خاک زمین بسرشت و در بینی وی روح حیات دمید و آدم نفس زنده شد و خداوند خدا باغی در عدن که به طرف مشرق بود مهیا کرد و آن آدم را که سرشته بود در آنجا گذاشت و هر درخت خوش نما و خوش خوراک را از زمین رویانید و درخت حیات و درخت معرفت نیک و بد را در وسط باغ قرار داد و نهری بیرون آمد تا باغ را سیراب کند و از آنجا منقسم گشته چهار شعبه شد... پس خداوند خدا آدم را گرفت و او را در باغ عدن گذاشت تا کار آن را بکند و آن را محافظت نماید.

(پید ۲ : ۴ - ۱۰، ۱۵)

قوم اسرائیل در زمان موسی (۱۲۵۰ سال ق.م) از زندان مصر فرار کرده و از دریای سرخ گذشتند. آنها قصد داشتند که از بیابان گذشته و به سرزمین موعود برسند. اما چگونه این جمعیت کثیر می‌توانست بدون آب از آن بیابان بگذرد؟ عده‌ای مردد بودند اما بوسیلهٔ موسی به آنان اعلام شد که خدا این قوم را محبت کرده و آنان را راهنمایی می‌کند تا به سرزمین موعود برسند.

تمامی جماعت بنی اسرائیل در ماه اول به بیابان صین رسیدند و قوم در قادش اقامت کردند و مریم (خواهر موسی) در آنجا وفات یافته و دفن شده بود. برای جماعت آب نبود پس بر موسی و هارون جمع شدند و قوم با موسی منازعت کرده و گفتند: «کاش که می‌مردیم وقتی که برادران ما در حضور خداوند مردند. و چرا جماعت خداوند را به این بیابان آوردید تا ما و بهایم ما در اینجا بمیریم؟ و ما را از مصر چرا برآوردید تا ما را به این جای بد بیاورید که جای زراعت و انجیر و مو و انار نیست و آب هم نیست که بنوشیم؟» موسی و هارون از حضور جماعت نزد در خیمهٔ اجتماع آمدند و بر روی خود درافتادند و جلال خداوند بر ایشان ظاهر شد و خداوند موسی را خطاب کرده گفت: «عصا را بگیر و تو و برادرت هارون جماعت را جمع کرده در نظر ایشان به این صخره بگویید که آب خود را بدهد پس آب را برای ایشان از صخره بیرون آورده جماعت و بهایم ایشان را خواهی نوشانید.» پس موسی عصا را از حضور خداوند چنان که او را فرموده بود گرفت. و موسی و هارون جماعت را پیش صخره جمع کردند و به ایشان گفت: «ای مفسدان آیا

از این صخره آب برای شما بیرون آوریم؟» و موسی دست خود را بلند کرده و صخره را دو مرتبه با عصای خود زد و آب بسیار بیرون آمد که جماعت و بهایم ایشان سیر نوشیدند.

(اعداد ۲۰ : ۱ - ۱۱) بنابراین نتیجه می گیریم، قوم اسرائیل قادر نبود بدون آبی که از طرف خداوند به آنان داده می شد در بیابان زندگی کرده و به سرزمین موعود برسند. کافی نیست که فقط قوم خدا از بردگی مصر نجات یابد بلکه باید همراهی خدا را با آنان تا رسیدن به سرزمین موعود در نظر گرفت. واضح است که بدون کمک خدا عبور از صحرای سینا برای آنان امکان پذیر نبود. برای ما نیز که قوم جدید خداوند هستیم آشکار است که در کلیسا بدون کمک او نمی توانیم از اسارت گناه خلاصی یابیم و به سرزمین موعود که به معنی اتحاد کامل با خداوند است، برسیم. بنابراین در این دنیا نمی توان خود را به مادیات آن خشنود ساخت و کسانی که عیسی مسیح را انتخاب نموده قدمی فراتر نهاده اند زیرا دنیای پر از مادیات برایشان به منزلهٔ بیابان بود و مفهوم واقعی این زندگی برای آنان همان گذر از این بیابان می باشد.

به دنیا و آنچه به آن تعلق دارد دل نبندید، کسی که دنیا را دوست دارد محبت خدای پدر در او نیست. هر آنچه به جهان تعلق دارد- یعنی آنچه نفس اماره آرزو می کند و آنچه چشمان می بینند و طلب می کنند و آنچه مایهٔ فخر و غرور است- از پدر

نیست. اینها همه به دنیا تعلق دارند. جهان و تمایلات دنیوی از بین خواهند رفت، اما هر که ارادهٔ خدا را بجا آورد، تا به ابد زیست خواهد کرد.

(۱ـ یو ۲ : ۱۵ - ۱۷)

برای ما این سؤال پیش می آید که آیا مایلیم به زندان مصر یعنی زندان غرور، خودپرستی، شهوات نفسانی و لذات دنیوی بازگردیم؟ یا این که برای رسیدن به اتحاد کامل با خدا باید پشتکار داشته و راه خود را هر روز در آرزوی بدست آوردن این اتحاد ادامه دهیم. برای ما مسلم است که مانند قوم خداوند به تنهایی در بیابان به هیچ وجه نمی توانیم راه بدست آوردن اتحاد مطلق با خداوند را طی کنیم.

از خود می پرسیم آیا در گذرگاه این راه تنها هستیم؟
آیا در این بیابان چشمهٔ آب زنده وجود دارد؟

با مراجعه به رساله اول قرنتیان (باب ۱۰ : ۱ - ۴) جواب سؤالات خود را از زبان حضرت پولس می شنویم:

ای برادران، نمی‌خواهم از آنچه برای اجداد ما اتفاق افتاد بی خبر باشید، درست است که همهٔ آنها در زیر سایهٔ ابر بودند و همه از دریا عبور کردند و همه به عنوان پیروان موسی در ابر و دریا تعمید گرفتند و همه از یک نان روحانی می‌خوردند و از

آب روحانی می نوشیدند (زیرا از صخره‌ای معجزه آمیز که ایشان را دنبال می کرد می نوشیدند و آن صخره مسیح بود).

همان گونه که موسی در زمان گذشته با عصای خود ضربه ای بر صخره زد و به قوم خود از آنجا آب زنده داد، بر روی صلیب نیز به سینهٔ عیسی مسیح نیزه زدند و از آنجا چشمهٔ آب زنده که به معنای روح القدس است برای ما جاری گشت.

روح القدس به ما قدرت عطا می کند تا به این دنیای فانی بستگی نداشته باشیم و برای رسیدن به اتحاد بیشتر با خداوند او راهنمای هر روز ماست. در نتیجه همان گونه که در زمان موسی قوم خداوند توانست به وسیلهٔ آب از آن بیابان عبور کند ما نیز می توانیم به وسیلهٔ روح القدس با کوشش مداوم در زندگی پیش برویم.

همهٔ این اتفاقات به عنوان نمونه‌ای بر سر آنان آمد و به عنوان عبرت برای تربیت ما نوشته شد زیرا ما در زمان های آخر زندگی می کنیم. بنابراین هر کس که گمان می کند استوار است مواظب باشد که سقوط نکند. وسوسه هایی که شما با آن روبه رو می شوید، وسوسه هایی است که برای تمام مردم پیش می‌آید، اما خدا به وعده های خود وفا می کند و شما بیش از حد توانایی خود وسوسه شوید. همراه با هر

وسوسه ای خداوند راهی هم برای فرار از آن فراهم می کند تا بتوانید در مقابل آن پایداری کنید.

(۱ـ قرن ۱۰ : ۱۱ - ۱۲)



اگر کسی تشنه است پیش من بیاید و بوشد.چنان که کلام خدا می فرماید: نهرهای آب زنده از درون آن کسی که به من ایمان آورد جاری خواهد گشت.

۲) چشمۀ حیات بخش

اسرائیلیان که در سرزمین موعود زندگی می کردند باریدن باران را نشانه ای از برکت خداوند می دانستند زیرا نبودن آب باعث مرگ می گردید چنان که در کتاب مقدس آمده است:

اگر آواز یهوه خدای خود را به دقت بشنوی تا هوشیار شده تمامی اوامر او را که من امروز به تو امر می فرمایم بجا آوری آن گاه یهوه خدایت تو را بر جمیع امت های جهان بلند خواهد گردانید و تمامی این برکت ها به تو خواهد رسید و تو را خواهد دریافت اگر آواز یهوه خدای خود را بشوی. و خداوند تو را در میوۀ بطنت و ثمرۀ بهایمت و محصول زمینت در زمینی که خداوند برای پدرانت قسم خورد که به تو بدهد به نیکویی خواهد افزود و خداوند خزینۀ نیکوی خود یعنی آسمان را برای تو خواهد گشود تا باران زمین تو را در موسمش بباراند و تو را در جمیع اعمال دستت مبارک سازد و به امت های بسیار قرض خواهی داد و تو قرض نخواهی گرفت (تث ۲۸ : ۱، ۲، ۱۱و۱۲)

بنابراین لعنت خداوند بصورت کمبود آب و باران و قحط سالی

در صورتی که خواسته های او را انجام ندهند بر مردم پدیدار می شد هم چنان که در کتاب مقدس آمده است:

> *اما اگر آواز یهوه خدای خود را نشنوی تا هوشیار شده همهٔ اوامر و فرایض او را که من امروز به تو امر می فرمایم به جا آوری آن گاه جمیع این لعنت ها به تو خواهد رسید و تو را خواهد دریافت. و خداوند تو را با سل و تب و التهاب و حرارت و شمشیر و باد سموم و یرقان خواهد زد و ترا تعاقب خواهند نمود تا هلاک شوی و فلک تو که بالای سر تو است مس خواهد شد و زمینی که زیر تو است آهن و خداوند باران زمینت را گرد و غبار خواهد ساخت که از آسمان بر تو نازل شود تا هلاک شوی.*
>
> (تث ۲۸ : ۱۵، ۲۲ - ۲۴)

بعد از حکومت سلیمان قوم خداوند به دو گروه تقسیم شدند گروهی در شمال، حکومت اسرائیل را بنا نهادند و شهر سامره را پایتخت قرار دادند و در اثر رفت و آمد با ممالک شمالی که بت پرست بودند به تدریج ایمان خود را به یهوه از دست داده و تمایل به بت پرستی پیدا کردند. گروهی دیگر در جنوب حکومت یهودیه را بنا گزارده و شهر اورشلیم را پایتخت قرار دادند. در قرن هشتم (ق.م.) در قسمت شمالی سرزمین موعود، آخاب پادشاه بر

اسرائیلیان فرمانروایی می کرد و در آن زمان بود که ایلیای نبی بر علیه وسوسهٔ بت پرستی قوم شورش نموده و پیام خدای یکتا را اعلام نمود.

> *ایلیای نبی به پادشاه اسرائیل که آخاب نام داشت گفت: به حیات یهوه خدای اسرائیل که به حضور وی ایستاده ام قسم که در این سال ها شبنم و باران جز به کلام من نخواهد بارید. و کلام خداوند بر وی نازل شده گفت: از اینجا برو و به طرف مشرق توجه نما و خویشتن را نزد نهر کریت (نهری که خارج از مرز زمین مقدس قرار داشت) که در مقابل اردن است پنهان کن و از نهر خواهی نوشید و کلاغ ها را امر فرموده ام که تو را در آنجا پرورند. پس روانه شد و موافق کلام خداوند عمل نموده و رفته نزد نهر کریت که در مقابل اردن است ساکن شده و کلاغها در صبح نان و گوشت برای وی و در شام نان و گوشت می آوردند و از نهر می نوشید. و بعد از روزهای چند واقع شد که نهر خشکید زیرا که باران در زمین نبود. و کلام خدا بر وی نازل شده گفت: برخاسته به صرفه (نزدیک شهر صیدون که دورتر از زمین مقدس در جنوب لبنان قرار دارد) برو و در آنجا ساکن شو*

اینک به بیوه زنی در آنجا امر فرموده ام که ترا بپرورد پس برخاسته به صرفه رفت و چون نزد دروازهٔ شهر رسید اینک بیوه زنی در آنجا هیزم برمی چید پس او را صدا زده گفت: تمنا این که جرعه ای آب در ظرفی برای من بیاور تا بنوشم.

(۱ـ پاد ۱:۱۷ - ۱۰)

چرا ایلیا دست به چنین کاری زد؟ ... چون در زمین مقدس، قوم خدا بت پرستی کرده و خدا را به دست فراموشی سپردند بنابراین به وسیلهٔ ایلیا لعنت خداوند بر سرزمین مقدس نازل گردید. ایلیا که خود پیغمبر بود زمین مقدس را به خاطر نبودن آب ترک کرد و به سوی دیگر اردن نزدیک رود کریت رفت ولی چون بعد از مدتی در آنجا نیز آبی پیدا نکرد مجبور شد دورتر از سرزمین مقدس تا نزدیک صیدون یعنی به کشور بت پرستان برود. لیکن هنگامی که قوم خداوند دست از بت پرستی برداشتند و زمین مقدس از گناهان آنان پاک گشت، باران دوباره باریدن گرفت. بنابراین بدین نتیجه می رسیم که آب نشانهٔ نعمت و برکت خداوند است.

ایلیا به پادشاه آخاب چنین گفت: برو غذا خورده و آب بنوش زیرا که صدای باران شدیدی می آید و زمانی که آخاب تصمیم به رفتن برای خوردن غذا و نوشیدن آب نموده بود ایلیا نبی بر قله کوه کرمل بالا

رفته و به زمین خم شده و صورت خود را به میان زانوهایش فرو برده و به خادم خود گفت بالا رفته به سوی دریا نگاه کن و او بالا رفته نگریست و گفت که چیزی نیست و او گفت هفت مرتبه دیگر برو و در مرتبهٔ هفتم گفت که اینک ابری کوچک بقدر کف دست آدمی از دریا برمی آید او گفت برو و به آخاب بگو که ارابهٔ خود را ببند و به پایین بیا که مبادا باران ترا مانع شود و واقع شد که در اندک زمانی آسمان از ابر غلیظ و باد سیاه فام شد و باران سخت بارید و آخاب سوار شد و به شهر یزرعیل آمد (یزرعیل در آن زمان پایتخت قسمت شمالی کشور فلسطین بود) و دست خداوند بر ایلیا نهاده شد و آماده گشته و پیش روی آخاب دوید تا به شهر یزرعیل رسید.

(۱ـ پاد ۱۸: ۴۱ - ۴۶)

نتیجهٔ کلی که از واقعهٔ ایلیای نبی گرفته می شود، هماهنگی با طبیعت و داشتن پیوند و ارتباط با خداوند است زیرا ایمانداران تنها واقف بودن بر قانون طبیعت از نظر علمی و آشنایی با امور جوی را کافی و مهم نمی دانند بلکه آنان در این اتفاقات دلایل اصلی دیگری را در نظر می گیرند و آن نشانهٔ وجود خداوند در زندگی است. البته

باید گفت که دانستن قانون طبیعت از نظر علمی و پژوهشی، عملی مثبت است ولی بالاتر از آن، معتقدیم که در ماوراء آن نشانه ای است که وجود خداوند را بازگو می کند. قوم اسرائیل به وسیلهٔ ایلیای نبی در زمان قحط سالی دریافتند که این اتفاق به گناهان خود بستگی داشته و پس از آزادی از بند گناهان بار دیگر برکت خداوند به صورت آب و باران بر آنان نازل شد و بر روی زمین زندگی دوباره پیدا کردند. در کتاب مقدس تجربیات دیگری که مبین وجود روح القدس است، می توان بیان کرد. در تاریخ قوم خداوند و کشور فلسطین که سرزمین موعود به شمار می‌آمد می توان علایمی از حضور و محبت خداوند مشاهده نمود که بارزترین آنها شهر اورشلیم است. برای اسرائیلیان شهر اورشلیم دارای چه معنایی بود؟ آیا بعد از این که داود پادشاه این شهر را فتح کرد و در آن قصر پادشاهی ساخت وبعد سلیمان معبد اورشلیم را در آن بنا کرد آیا این شهر مقام خاصی برای اسرائیلیان احراز نمود؟ چرا؟ دلیل این امر اینست که اولاً برای اسرائیلیان زمین فلسطین سرزمین مقدس و همان سرزمین موعودی بود که در آن می توانستند با خدا اتحاد پیدا کنند و خدا پشتیبانی آنان را در این سرزمین بر عهده داشت. مرکز این سرزمین محل حضور خداوند و مکان گذاردن قربانی برای خدا بود و نیز معبد اورشلیم میعادگاه قوم اسرائیل با خداوند بشمار می‌آمد و اسرائیلیان سالی یکبار برای زیارت به آنجا می رفتند.



چشمهٔ جیحون
قلعهٔ اورشلیم
و تو نل زیر زمینی فی ما بینشان

شادمان می‌شدم چون به من می‌گفتند به خانهٔ خداوند برویم. پای‌های ما خواهد ایستاد به اندرون دروازه‌های تو ای اورشلیم. ای اورشلیم که بنا شده‌ای، مانند شهری که تماماً با هم پیوسته باشد. که بدانجا قبایل بالا می‌روند، یعنی تمام قبایل تا شهادت باشد برای اسرائیلیان و تا نام یهوه را بسرایند.

(مزمور ۱۲۲ : ۱ - ۴)

در این شهر فقط یک چشمه آب به نام چشمهٔ جیحون وجود داشت که برای آنان دارای اهمیتی خاص بود زیرا هر زمان که دشمنان به اسرائیلیان و به خصوص بر علیه قومی که در مرکز قرار داشتند حمله ور می‌شدند، افرادی که به بند اسارت دچار می‌گشتند از آب چشمهٔ جیحون می‌توانستند استفاده کنند و از این رو چشمهٔ مزبور برای آنان جنبه حیاتی داشت و می‌توان چشمهٔ نامبرده را برای آن شهر یکی از مظاهر لطف الهی به شمار آورد. علاوه بر این قوم خداوند فتح شهر اورشلیم را به خاطر داشتند و می‌دانستند داود پادشاه چگونه آن را بوسیلهٔ چشمهٔ جیحون (قناتی که از آن سرچشمه گرفته و در خارج شهر قرار داشت و از زیر زمین به خود شهر مربوط می‌شد) تصرف کرده و آنجا را پایتخت خود ساخته بود.

پادشاه با مردمانش به اورشلیم به مقابلهٔ یبوسیان

که ساکنان زمین بودند رفت و ایشان به داود متکلم شده گفتند به اینجا داخل نخواهی شد جز این که کوران و لنگان را بیرون کنی زیرا گمان بردند که داود به اینجا داخل نخواهد شد و داود قلعهٔ صهیون را گرفت که همان شهر داود است و در آن روز داود گفت هر که یبوسیان را بزند و به قنات رسید لنگان و کوران را که مبغوض جان داود هستند بزند بنابراین می‌گویند کور و لنگ به خانه داخل نخواهند شد. و داود در قلعه ساکن شد و آن را شهر داود نامید و داود به اطراف ملّو و اندرونش عمارت ساخت و داود ترقی کرده بزرگ می‌شد و یهوه خدای صبایوت با وی می‌بود.

(۲ـ سمو ۵ : ۶ - ۱۰)

چشمهٔ جیحون برای قوم اسرائیل مقام و مرتبهٔ خاصی داشت. اکثر مراسم بزرگ قوم خداوند در کنار آن چشمه انجام می‌گرفت. مثلاً هنگامی که سلیمان به مقام پادشاهی رسید، مراسم مسح وی در آنجا انجام شد.

داود پادشاه گفت صادوق کاهن و ناتان نبی و بنایاهو ابن یهویاداع را نزد من بخوانید. پس ایشان به حضور پادشاه داخل شدند و پادشاه به ایشان گفت بندگان

بر قاطر من سوار نموده او را به چشمهٔ جیحون ببرید و صادوق کاهن و ناتان نبی او را در آنجا به پادشاهی اسرائیل مسح نمایید و کرنا را نواخته بگویید سلیمان پادشاه زنده بماند.

(۱ـ پاد ۱ : ۳۲ - ۳۴)

دشمنان، پنج قرن بعد از سلیمان اسرائیل را تصرف کردند و فلسطین و اورشلیم و معبد آن را به کلی از بین بردند. پادشاه و قوم آنان را به بابل روانهٔ تبعید کردند. در زمان تبعید که همهٔ قوم نا امید بودند، حزقیال نبی پیش بینی کرد که بار دیگر سرزمین اسرائیل بنا خواهد شد واورشلیم نیز به نوبهٔ خود بیش از پیش آباد و توسعه خواهد یافت و هم چنین در کنار آن معبد چشمهٔ آب زلالی ظاهر خواهد شد.

در سال بیست و پنجم اسیری ما در ابتدای سال در دهم ماه که سال چهاردهم بعد از تسخیر شهر اورشلیم بود، در همان روز دست خداوند بر من قرارگرفته ومن را به آنجا برد. اوبه وسیلهٔ رویاهای الهی من را به سرزمین اسرائیل برد ومن را بر کوه بسیار بلند قراردادکه درطرف جنوب آن مانند این که شهری ساخته شده بود. و چون من را به آنجا آورد اینک مردی که شمایل او مانند شمایل آهنی بود و در

دستش ریسمانی از کتان و نیء برای پیمودن بود نزد دروازه ایستاده بود. آن مرد من را گفت ای پسر انسان به چشمان خود ببین و به گوش های خویش بشنو و دل خود را به هرچه به تو نشان دهم مشغول ساز زیرا که تو را در اینجا آوردم تا این چیزها را به تو نشان دهم. پس خاندان اسرائیل را از هرچه می بینی آگاه ساز. و اینک حصاری بیرون معبد گرداگردش بود...

من را نزد دروازهٔ معبد آورد و اینک آب ها از زیر آستانهٔ معبد به سوی مشرق جاری بود زیرا که روی معبد به سمت مشرق بود وآن آب ها از زیرطرف راست معبد از طرف جنوب قربانگاه جاری بود پس من را از راه دروازهٔ شمالی بیرون برده و از راه خارج به دروازهٔ بیرونی به راهی که به سمت مشرق منتهی می شود متوجه گردانید و اینک آب ها از جانب راست جاری بود و چون آن مرد به سوی مشرق بیرون رفت نخی کتانی برای اندازه گیری در دست داشت و پانصد مترپیموده من را از آب عبور داد و آب ها به قوزک می رسید پس پانصد متر پیموده و من را از آب ها عبور داد و آب به زانو می رسید و باز پانصد

متر پیموده من را عبور داد و آب به کمر می‌رسید پس پانصد متر دیگر پیمود و نهری بود که از آن نتوان عبور کرد زیرا آب زیاده شده بود آبی که در آن می‌شود شنا کرد، نهری که از آن نتوان عبور کرد و من را گفت ای پسر انسان آیا این را دیدی پس من را از آنجا برده به کنار نهر برگردانید و چون برگشتم اینک در هر دو طرف نهر درختان بی‌شماری بود و من را گفت این آب‌ها به سوی ولایت شرقی جاری می‌شود و به دره اردن فرود شده به دریای شور می‌رود و چون به دریای شور داخل می‌شود آب‌هایش شفا می‌یابد و واقع خواهد شد که هر ذی حیات خزنده در هر جایی که آن نهر داخل شود زنده خواهد گشت و ماهیان فراوانی پیدا خواهد شد زیرا چون این آب‌ها به هر کجا که برسد آن زمین شوره زار شفا خواهد یافت و هرجایی که نهر جاری می‌شود همه چیز زنده می‌گردد و صیادان برکنار آن خواهند ایستاد و ماهیان آنها برحسب جنس‌ها مثل ماهیان دریای بزرگ (دریای مدیترانه) از حد زیاده خواهند بود اما مرداب‌ها شفا نخواهد یافت بلکه به نمک تسلیم خواهد شد و بر کنار نهر به این طرف و آن طرف هر قسم درخت خوراکی خواهد رویید که

برگ‌های آنها پژمرده نشود و میوه‌های آنها لاینقطع خواهد بود و هر ماه میوه‌ای تازه خواهد آورد زیرا که آبش از معبد جاری می‌شود و میوهٔ آنها برای خوراک و برگ‌های آنها به جهت درمان خواهد بود.

(حزق ۴۰ : ۱ - ۵؛ ۴۷ : ۱ - ۱۲)

البته در زمان تبعید، قوم اسرائیل نا امید بودند و این پیش بینی حزقیال نبی را درک نمی کردند. کلمات حزقیال نبی ممکن بود که برای آنان نوید دهندهٔ پیام خوشی از آیندهٔ بهتر باشد ولی چون از زمان و چگونگی این اتفاق بزرگ آگاهی نداشتند و از طرف دیگر در آن زمان که متن زکریا نبی (که در صفحهٔ بعد ذکر شده است) را مطالعه می کردند این گونه تفاصیل برای آنان مبهم بود البته می دانستند که بین آب فراوان و روح القدسی که بر آنان پاشیده خواهد شد ارتباطی وجود داشت چون بیشتر اوقات در کتب پیامبران، خداوند وعده روح القدس را به صورت آب پاشیده بر آنان می داد..

بعد از آن روح خود را بر همهٔ بشر خواهم ریخت وپسران و دختران شما نبوت خواهند نمود و پیران شما و جوانان شما رویاها خواهند دید. و در آن ایام روح خود را بر غلامان و کنیزان خواهم ریخت و آیات را از خون و آتش و ستونهای دود در آسمان و زمین ظاهر خواهم ساخت.

(یول ۲ : ۲۸ و ۲۹)

کلام خداوند بر قوم اسرائیل و قوم خداوند است که آسمان ها را گسترانید و بنیاد زمین را نهاد و روح انسان را در اندرون او ساخت... در آن روز بر خاندان داود و بر ساکنان اورشلیم روح فیض و تضرعات را خواهم ریخت و بر من که نیزه زده اند خواهند نگریست و برای من مثل نوحه گری برای پسر یگانه خود نوحه گری خواهند نمود. در آن روز ماتم عظیمی در اورشلیم خواهد بود... در آن روز برای خاندان داود و ساکنان اورشلیم چشمه ای به جهت گناه و نجاست باز خواهد شد.

(زک ۱۲ : ۱، ۱۰ - ۱۱، ۱۳ : ۱)

حال که به عیسی مسیح ایمان داریم این پیام حزقیال نبی و زکریا نبی برای ما کاملاً روشن می باشد و با مراجعه به انجیل یوحنا در نظر داشته باشیم و درک کنیم که چشمهٔ جیحون و معبد اورشلیم و نهری که حزقیال نبی از آن سخن می گوید و نیز آن کسی که نیزه بر سینه اش زدند و از آن آب جاری گشت چه مفهومی دارد و پیام آمدن چه کسی را نوید می دهد؟

۳) چشمهٔ روح القدس

در زمان های قدیم، پیامبران از دور، آمدن مسیح را به این دنیا اعلام می کردند، اما آخرین پیامبریعنی یحیی تعمید دهنده از نزدیک مسیح را دید و اشاره کرد، که او مسیح می باشد و ما را در روح القدس فرو برده و به ما زندگی جاودان عطا خواهد فرمود.

از او پرسیدند اگر تو نه مسیح هستی و نه الیاس و نه آن پیامبر موعود پس چرا تعمید می‌دهی؟

یحیی پاسخ داد: «من با آب تعمید می‌دهم اما کسی در میان شما ایستاده است که شما او را نمی‌شناسید. او بعد از من می‌آید ولی من حتی شایستهٔ آن نیستم که بند کفش هایش را باز کنم...»

یحیی شهادت خود را این طور ادامه داد: «من روح خدا را دیدم که به صورت کبوتری از آسمان نازل شد و بر او قرار گرفت. من او را نمی‌شناختم اما آن کسی که من را فرستاد تا به آب تعمید دهم به من گفته بود هر گاه بینی که روح بر کسی نازل شود و بر او قرار گیرد بدان که او همان کسی است که به روح القدس تعمید می‌دهد. من این را دیده‌ام و شهادت می دهم که او پسرخداست.»

(یو ۱ : ۲۵ - ۲۷، ۳۲ - ۳۴)

از انجیل یوحنا درمی یابیم معبد اورشلیم که بنابر پیش بینی حزقیال نبی از نو بنا می شود، در واقع از جسم عیسی مسیح سخن می گفت:

چون عید گذر یهود نزدیک بود عیسی به اورشلیم رفت. در معبد، اشخاصی را دید که به فروش گاو و گوسفند و کبوتر مشغولند و صرافان هم در پشت میزهای خود نشسته اند. پس با طناب شلاقی ساخت و همهٔ آنان را با گوسفندان و گاوان از معبد بیرون راند و سکه های صرافان را دور ریخت و میزهای آنها را واژگون ساخت. آنگاه به کبوتر فروشان گفت: اینها را از اینجا بیرون ببرید. خانهٔ پدر من را به بازار تبدیل نکنید. شاگردان عیسی به خاطر آوردند که کتاب مقدس می فرماید: آتش اشتیاق نسبت به خانهٔ تو در من شعله ور است. پس یهودیان از او پرسیدند: چه معجزه ای می کنی که نشان بدهد حق داری این کارها را انجام دهی؟ عیسی در پاسخ گفت: این خانهٔ خدا را ویران کنید و من آن را در سه روز برپا خواهم کرد.

یهودیان گفتند: ساختن این معبد چهل و شش سال طول کشیده است تو چطور می توانی آن را در سه روز

بنا کنی؟ اما معبدی که عیسی از آن سخن می گفت بدن خودش بود. پس از رستاخیز او از مردگان، شاگردانش به یاد آوردند که این را گفته بود و به کتاب مقدس و سخنان عیسی ایمان آوردند.

(یو ۲ : ۱۳ - ۲۲)

بنابر این، به این نتیجه می رسیم که معبد اورشلیم و نهر آب زنده ای که از معبد اورشلیم سرچشمه می گرفت، مکانی قدیمی و ویرانی نیست و در زندگی کنونی ما نیز دارای معنای بزرگی است، زیرا مظهر جسم عیسی مسیح که از مردگان برخاست و امروز در بین ما زنده است، به شمار می آید. او روح القدس را مانند آب بر ما می پاشد چون او در اتحاد کامل با پدراست و روح القدس همان اتحاد و محبت بین پدر و پسر می باشد. روح القدس برای ما خارج از فکر محدود انسانی است لیکن عیسی مسیح مانند ما انسان و کاملاً پر از روح القدس بود. درنتیجه انسانیت ما به وسیلهٔ عیسی مسیح چشمهٔ روح القدس را می یابد:

کسی که از طرف خدا فرستاد شده است کلام خدا را بیان می کند زیرا خدا روح خود را بی حد وحصر به او عطا می فرماید. پدر، پسر را محبت می کند و همه چیز را به او سپرده است.

(یو ۳ : ۳۴ - ۳۵)

در سرگذشت ایلیای نبی مشاهده کردیم که بدون آب زندگی غیرممکن بود و در انجیل یوحنا نیز می بینیم که عیسی مسیح زندگی جسمانی را فنا پذیر می داند. بنابر این چگونه می توان زندگی واقعی و عمیق و بالاخره زندگی جاودان را بدست آورد؟ در متن زیر می بینیم که به وسیلهٔ روح القدس می توان از نو تولد یافت و زندگی جاودان را تا ابد از آن خویش ساخت.

> *یک نفر از فریسیان به نام نیقودیموس که از بزرگان قوم یهود بود، یک شب نزد عیسی آمد و به او گفت: ای استاد ما می دانیم تو معلمی هستی که از طرف خدا آمده ای زیرا هیچ کس نمی تواند معجزاتی را که تو می کنی انجام دهد مگر آنکه خدا با او باشد. عیسی پاسخ داد: یقین بدان تا شخصی از نو تولد نیابد نمی تواند پادشاهی خدا را ببیند. نیقودیموس گفت: چطور ممکن است شخص سالخورده ای از نو تولد یابد؟ عیسی پاسخ داد: یقین بدان که هیچ کس نمی تواند به پادشاهی خدا وارد شود مگر آنکه از آب و روح تولد یابد. آنچه از جسم تولد بیابد جسم است و آنچه از روح متولد گردد روح است.*
>
> (یو ۳ : ۱ - ۶)

در متن زیر می توان چنین پنداشت که اغلب مانند زن سامری ایمان ما نیز محدود است بنابر این در زندگی خود در پی راه های سهل و سطحی بوده و بدان قانع می باشیم. ولی آیا این راه ها خواسته و نیازهای روحی ما را برآورده می کند؟ آیا مایلیم آب حیات جاودان را از راه قدرت انسانی خود تأمین نماییم؟ یا آنکه در انتظار وصول به آن، توسط شخص دیگری می باشیم؟ آیا ما مانند زن سامری می خواهیم که از مادیات در زندگی صرف نظر نموده و به وسیلهٔ روح القدس که آب حیات زنده است خود را سیراب سازیم؟

وقتی خداوند فهمید که فریسیان شنیده‌اند که او بیشتر از یحیی شاگرد پیدا کرده و آنها را تعمید می‌دهد (هرچند شاگردان عیسی تعمید می‌دادند نه خود او)، یهودیه را ترک کرد و به جلیل برگشت ولی لازم بود از سامره عبورکند. او به شهری از سامره که سوخار نام داشت، نزدیک مزرعه‌ای که یعقوب به پسر خود یوسف بخشیده بود رسید. چاه یعقوب در آنجا بود و عیسی که از سفر خسته شده بود، در کنار چاه نشست تقریباً ظهر بود. یک زن سامری برای کشیدن آب آمد. عیسی به او گفت: قدری آب به من بده زیرا شاگردانش برای خرید غذا به شهر رفته بودند زن سامری گفت: چطور تو که یک یهودی هستی از من که یک زن سامری هستم آب می‌خواهی؟ او این را گفت چون یهودیان با سامریان معاشرت نمی‌کنند. عیسی به او پاسخ داد: اگر می‌دانستی بخشش خدا چیست و کیست که از تو آب می‌خواهد حتماً از او خواهش می‌کردی و او به تو آب زنده عطا می‌کرد. زن گفت: ای آقا دلو نداری و این چاه عمیق است از کجا آب زنده می‌آوری؟ آیا تو از جد ما یعقوب بزرگتری که این چاه را به ما بخشید و خود او و پسران و گله‌اش از آن آشامیدند؟ عیسی گفت: هر

عیسی مسیح با زن سامری



اگر می‌دانستی بخشش خدا چیست
و کیست که از تو آب می‌خواهد
حتماً از او خواهش می‌کردی
و او به تو آب زنده عطا می‌کرد

که از این آب بنوشد بازتشنه خواهد شد اما هر کس از آبی که من می بخشم بنوشد هرگز تشنه نخواهد شـــد زیـــرا آن آبی که به او می‌دهم در درون او به چشمه ای تبدیل خواهد شد که تا حیات جاودان خواهد جوشید. زن گفت: ای آقا آن آب را به من بده تا دیگر تشنه نشوم و برای کشیدن آب به این جا نیایم.

(یو ۴ : ۱ - ۱۵)

اما چشمهٔ جیحون نشانه ای از آب زنده ای است که حزقیال نبی آن را پیش بینی کرد، در کجای زندگی می توان آن را پیدا نمود؟ پاسخ را از عیسی بشنویم:

در آخرین روز که مهمترین روز عید بود عیسی ایستاد و با صدای بلند گفت: اگر کسی تشنه است پیش من بیاید و بنوشد. چنان که کلام خدا می فرماید نهرهای آب زنده از درون آن کسی که به من ایمان بیاورد جاری خواهد گشت. این سخنان را درباره روح‌القدس، که می باید به مؤمنین او داده شود، می‌گفت و چون هنوز عیسی جلال نیافته بود روح‌القدس عطا نشده بود.

(یو ۷ : ۳۷ - ۳۹)

چشمهٔ روح‌القدس قبل از مصلوب شدن عیسی به روی ما باز نبود. می باید که عیسی مسیح جان خود را در راه ما بدهد تا بتوانیم با مصلوب شدن او روح‌القدس را بیابیم. و بنا به گفتهٔ زکریای نبی:

در آن روز بر خاندان داود و بر ساکنان اورشلیم روح فیض و تضرعات را خواهم ریخت و بر من که نیزه زده‌اند خواهند نگریست... در آن روز بر خاندان داود و ساکنان اورشلیم چشمه ای به جهت گناه و نجاست باز خواهد شد.

(زک ۱۲ : ۱۰؛ ۱۳ : ۱)

چون روز جمعه با روز تهیه فصح مصادف بود و یهودیان نمی‌خواستند اجساد مصلوب شدگان در آن سبت بزرگ بر روی صلیب بمانند از پیلاطس درخواست کردند که ساق پای آن سه را بشکنند و آنها را از صلیب پایین بیاورند. پس سربازان جلو آمدند و ساق پای آن دو نفری که با عیسی مصلوب شده بودند، شکستند، اما وقتی پیش عیسی آمدند دیدند که او مرده است و از این رو ساق‌های او را نشکستند اما یکی از سربازان نیزه‌ای به پهلوی او فرو کرد و خون و آب از بدنش جاری شد. کسی که خود شاهد این واقعه بود این را می‌گوید و شهادت

او راست است او حقیقت را می گوید تا شما نیز ایمان آورید. چنین شد تا پیشگویی کتاب مقدس که می فرماید هیچ یک استخوان هایش شکسته نخواهد شد تحقق یابد. و درجای دیگر می فرماید آنها به کسی که نیزه زده اند نگاه خواهند کرد.

(یو ۱۹ : ۳۱ - ۳۷)

عیسی مسیح مصلوب شده و رستاخیز کرده، معبد واقعی ما می باشد. او جان خود را از دست داد تا ما روح القدس را دریابیم، بنابر این اگر بخواهیم راه او را دنبال کنیم باید جان خود را فدا کنیم تا بتوانیم به وسیلهٔ او روح القدس را در زندگی خود بپذیدیم. عیسی مسیح روح القدس را به عنوان «نوبر» به ما داد تا بتوانیم رفته رفته اتحاد کاملی مانند اتحاد بین عروس و داماد با او پیدا کنیم و فرزند خدا شویم و کاملاً با خدا متحد گشته و با او زندگی جاودان داشته باشیم. طبق مکاشفه یوحنای رسول امید و هدف زندگی ما این چنین می باشد:

آنگاه آسمانی تازه وزمینی تازه دیدم، زیرا آن آسمان و زمین نخستین ناپدید شدند و دیگر دریایی وجود نداشت. شهر مقدس یعنی اورشلیم تازه را دیدم که از آسمان از جانب خدا مانند عروسی که برای شوهرش آراسته و آماده شده باشد به زیر می آمد. از

تخت صدای بلند شنیدم که می گفت: اکنون خانهٔ خدا در میان آدمیان است و او در بین آنان ساکن خواهد شد وآنان قوم او و او خدای آنان خواهد بود. او هر اشکی را از چشمان آنها پاک خواهد کرد. دیگر از مرگ و غم وگریه و درد و رنج خبری نخواهد بود، زیرا چیزهای کهنه درگذشته است. سپس آن تخت نشین گفت: اکنون من همه چیز را از نو می سازم. و به من گفت: این را بنویس زیرا این سخنان راست است و می توان به آنها اعتماد کرد. او به من گفت: تمام شد، من الف ویا، اول وآخر هستم. این است امتیاز کسی که پیروز شود: من به تشنگان از آب چشمهٔ حیات رایگان خواهم بخشید. من خدای او خواهم بود و او فرزند من.

آنگاه یکی از آن هفت فرشته که هفت پیاله پر از هفت بلای آخر را بدست داشت آمد و به من گفت: بیا، من عروس یعنی زوجهٔ بره را به تو نشان خواهم داد. او من را در روح به کوه بسیار بلندی برد و شهر مقدس اورشلیم را به من نشان داد که از آسمان از نزد خدا به زیر می آمد. این شهر با شکوه خدایی و مانند جواهری گران بها می درخشید. آن مانند یشم بود و به روشنی بلور...

در شهر معبدی ندیدم زیرا معبدش خداوند، خدای قادر مطلق و بره بود. شهر نیازی به خورشید و ماه نداشت که بر آن بتابد زیرا شکوه خدا بر آن نور می‌داد و چراغ آن بره است. در نور او ملت‌ها راه خواهند رفت و پادشاهان زمین همه جلال خود را به آنجا خواهند آورد. دروازه‌های شهر در روز بسته نمی‌شود و شبی نیز در آنجا نخواهد بود. ثروت و جلال ملل به آنجا خواهد آمد، اما هیچ ناپاکی وارد آن نخواهد شد و نه کسی که گفتارش ناراست و کارهایش زشت و پلید است، بلکه تنها آن کسانی که نامشان در دفتر حیات بره نوشته شده است به آن وارد می‌شوند...

آنگاه رودخانه آب حیات را که مثل بلور برق می‌زد به من نشان داد. آن رودخانه از تخت خدا و بره سرچشمه گرفته و از وسط خیابان شهر می‌گذشت. در هر طرف رودخانه یک درخت حیات بود که سالی دوازده بار میوه می‌آورد، هر ماه یک بار از برگ این درختان برای درمان درد ملل استفاده می‌شد. دیگر چیزی که ملعون شده باشد در آن یافت نخواهد شد.

تخت خدا و بره در آنجا خواهد بود و بندگانش او را عبادت خواهند نمود. همه او را روبه‌رو خواهند دید و

چشمه حیات



و نام او را بر پیشانی‌های خود خواهند داشت. دیگر شبی نخواهد بود و آنان به نور چراغ و خورشید نیاز نخواهند داشت زیرا خداوند خدا نور ایشان خواهد بود و آنها تا به ابد فرمانروایی خواهند کرد.

(مکا ۲۱ : ۱ - ۷، ۹ - ۱۱، ۲۲ - ۲۷؛ ۲۲ : ۱ - ۵)

حال که بهتر به معنی آب به عنوان نشانه ای از روح القدس پی برده ایم، باید از خود سؤال کنیم که این مطلب امروزه در زندگی ما دارای چه ارزشی است؟ برای رسیدن به این آب حیات از چه چیزهایی باید گذشت؟ می دانیم که روح القدس در قلب ما انتظاری را توأم با تشنگی آمدن عیسی مسیح پرورش می دهد، آیا باز هدف ما زندگی در این دنیا می باشد؟

روح و عروس می‌گویند: «بیا» هر شنونده‌ای باید بگوید بیا ای تشنگان بیایید، آب حیات را بپذیرید این بخششی است رایگان برای هر کس که طالب آن است.

(مکا ۲۲ : ۱۷)

آیا قادر به پذیرفتن کامل این آب زنده هستیم؟ اما در این انتخاب نباید تنها خود را در نظر داشت زیرا دیگران نیز در آن سهیمند. بنابر این وقتی که می بینیم برادران ما گمراه گشته و در این

دنیای مادی تشنه مانده اند، چگونه می توان در خدمت آنان بود و این آب زنده را که همان روح القدس است به آنان رسانید؟ تنها سرچشمهٔ روح القدس قلب عیسی است که به آن نیزه زده شد پس اگر می خواهیم در خدمت برادران خود باشیم باید در صلیب عیسی سهیم بوده وبا مرگ او برای دیگران چشمهٔ روح القدس باشیم.

چنان که آهو برای نهرهای آب شدت اشتیاق دارد، هم چنان ای خدا من مشتاق تو هستم. من تشنهٔ خداهستم، خدای زنده. در کجا می‌توان او را یافت تا بیایم و در حضورش بایستم؟ چون خداوند در کمک نمودنم تأخیر نموده است، شب و روز اشک می‌ریزم، در این مدت دشمنان من را سرزنش می‌کنند و با تمسخر می‌گویند: «این خدای تو کجاست؟»

(مز ۴۲ : ۱ - ۳)

دعـــا

ترجیع بند: هرکه تشنه باشد بیاید
و هر که خواهش دارد
از آب حیات به رایگان بگیرد.

خداوندا، خدای من تو را می‌طلبم،
مثل سرزمین خشک و سوزان و بی‌آب
روانم تشنه توست
وجسمم مشتاق تو
کاش می‌توانستم به آستانهٔ مقدس تو وارد شوم
تا جلال و قدرت تو را شاهد باشم.

ترجیع بند: هر که تشنه باشد بیاید
و هر که خواهش دارد
از آب حیات به رایگان بگیرد.

مهر و محبت تو از حیات بهتر است
بدین سبب لب‌هایم تو را حمد می‌گویند
به خاطر نام تو دست‌هایم را برافراشته
و در تمام دوران زندگی تو را متبارک می‌خوانم

زیرا دهان و زبان و لب‌هایم،
تو را شادمانی حمد و ثنا می‌گویند.

ترجیع بند: هر که تشنه باشد بیاید
و هر که خواهش دارد
از آب حیات به رایگان بگیرد.

در شب‌ها به تو فکر می‌کنم
و شب در خیال تو غوطه ورم
تو که همیشه به کمک من شتافته ای
مسرورم که زیر بال های خود از من حمایت می‌کنی
روحم به تو وابسته است
و دست راست تو نگهبان من است.

ترجیع بند: هر که تشنه باشد بیاید
و هر که خواهش دارد
از آب حیات به رایگان بگیرد.

اما آنهایی که قصد جان من را دارند،
به قعر دوزخ سرنگون می‌شوند،
با شمشیرها به قتل می‌رسند
و خوراک شغال ها می‌گردند

لیکن پادشاه در خداوند شادی می‌کند
و هر که به نام او قسم خورد،
هنگامی که دروغ گویان خاموش می‌شوند،
سرافراز می‌شود.

ترجیع بند: هر که تشنه باشد بیاید
و هر که خواهش دارد
از آب حیات به رایگان بگیرد.

(مزمور۶۳)